

تحلیل انسان‌شناختی انقلاب ایران

۱- مقدمه

مایکل فیشر انسان‌شناس آمریکایی سه بار اوضاع اجتماعی - فرهنگی ایران را به شیوه مشاهده مشارکتی مطالعه کرده است. وی نخستین بار در فاصله سالهای ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۱ و برای تهیه رساله دکترای خود و دو بار دیگر در سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ در ایران پژوهش کرده است. وی صاحب دو کتاب عمده و بیش از بیست مقاله مهم درباره سینما، انسان‌شناسی، دین و انقلاب در ایران است. کتاب ایران: از مباحثه مذهبی تا انقلاب اسلامی، اولین کتاب منتشر شده وی و حاصل مطالعات میدانی وی در ایران است. اگرچه می‌توان کتاب را به‌طور عمده درباره انقلاب ایران دانست، لیکن کتاب درباره نقش فرهنگ و شناخت متعارف (Common sense) در تغییر اجتماعی است. این اثر در مجموعه کتبی که دانشگاه هاروارد درباره انسان‌شناسی فرهنگی منتشر کرده است، جای می‌گیرد. این مجموعه با هدف درک کردن و تفسیر نمودن نظام‌های فرهنگی و به قصد انجام دادن مطالعات تطبیقی در این زمینه، منتشر شده است. از همین رو باید کتاب فیشر را اثری در راستای بررسی نقش فرهنگ ایرانی در عظیم‌ترین تغییر اجتماعی ایران معاصر دانست. در ادامه در چهاربخش به بررسی محتوای کتاب و استدلال‌های فیشر پرداخته و در بخش پنجم برخی سوالاتی را که می‌توان در برابر کتاب نهاد بررسی خواهیم کرد.

۲- مسأله اصلی کتاب

کتاب ایران: از مباحثه مذهبی تا انقلاب اسلامی اثری درباره تغییر فرهنگ، و خصوصاً نقشی است که دین در این زمینه ایفا می‌کند. محوری‌ترین موضوع کتاب را می‌توان بررسی نظام آموزش دینی دانست. این نظام هم در مدارس دینی و در بین طلاب علوم دینی، و هم در بین عامه مردم بررسی و بدین وسیله تغییرات شخصیتی ناشی از تعلیم و تربیت دینی در جامعه ایرانی مطالعه می‌شود. نویسنده پژوهش خود را در حوزه انسان‌شناسی تعلیم و تربیت طبقه‌بندی می‌کند و هدف آن را یافتن پاسخی برای سوالات ذیل می‌داند:

۱. پرسشهای فکری درباره سازماندهی فرهنگ، نسب و ریشه ایده‌ها،
۲. پرسشهای جامعه‌شناختی درباره گروههای ذی نفع و روابط قدرتی که سبب می‌شوند ایده‌ها موفق شده و در یک زمان عمومیت یابند،
۳. پرسشهای تاریخی، به‌واسطه پژوهش درباره چگونگی سازماندهی فرهنگ از طریق اهداف و نهادهای نوین (Fischer, P. vii).

با توجه به سوالاتی که در بالا به آنها اشاره شد می‌توان گفت که اساساً هدف نویسنده ارائه تبیینی برای انقلاب ایران نیست. بلکه سؤال این است که چگونه سازوکارها و پویاییهای درونی فرهنگ به ایجاد تغییر اجتماعی‌ای به عظمت انقلاب ایران انجامیده است.

اگرچه سوالات اساسی نویسنده کتاب تشریح شد، اما باید به نوع نگاه وی نیز توجه داشت. وی در پی ارائه تبیینی به شیوه بقیه نویسندگانی که درباره انقلاب ایران پژوهش کرده‌اند نیست. این چنین نگاهی از الزامات رویکرد انسان‌شناختی وی است. به تعبیر خود او "شاید انسان‌شناسی اصلاً علم نباشد، بلکه تلاشی انسان‌گرایانه برای دیالوگ و یادگیری است، هم برای خودم و هم برای دیگران. وظیفه آن است که به سطوح عمیق‌تر فهم، روشنی، شناخت و حتی حقیقت برسیم. (P. 244). " سبک و سیاق نگارش کتاب و تأکیدات خاص آن را جز با در نظر داشتن رویکرد انسان‌شناختی فیشر نمی‌توان معنی کرد.

۳- روش‌شناسی کتاب

نویسنده کتاب، تربیت انسان‌شناختی دارد. انسان‌شناسان از جمله عالمان

محمد فاضلی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

Iran: From Religious
Dipute to Revolution

Michael Fischer

- Iran : From Religious Dipute to Revolution
- Michael Fischer
- Harvard University Press
- 1980

علوم اجتماعیانند که به مقوله فرهنگ و روش تفسیری - تأویلی توجه بسیار داشته‌اند. این شیوه از پژوهش انسان‌شناختی بیشتر متکی بر روشی است که گریتر آن را "توصیف غلیظ" (thick description) نامیده است. این اصطلاح که در فارسی آن را به توصیف غنی یا توصیف پرقوام نیز ترجمه کرده‌اند، به‌طور خلاصه ناظر بر نوعی پژوهش مردم‌نگارانه است که می‌کوشد توصیفی معنادار و منسجم از رویه‌های فرهنگی، معانی و تغییرات آنها ارائه دهد. این شیوه ابتدا سعی می‌کند تا شرحی غنی از زمینه اجتماعی - فرهنگی فرهنگ تحت بررسی به دست دهد. اتکا به نگاه هرمنوتیکی - تفسیری، شناخت عناصر فرهنگ، فهمیدن فرهنگ از طریق درک ساختار نمادین، مرزهای تاریخی و جامعه‌شناختی و خطوط تغییر و شکاف آن، و استفاده کردن از نشانه‌شناسی فرهنگی از عناصر اصلی این روش است.

۱-۳- توصیف غنی زمینه اجتماعی - فرهنگی

پیش‌تر گفته شد که پژوهش هرمنوتیکی - تفسیری قائم به توصیف غنی زمینه اجتماعی - فرهنگی و حتی اقتصادی و سیاسی فرهنگ تحت مطالعه است. از آنجا که هدف کتاب تشریح کردن نقش فرهنگ در تغییر اجتماعی است، نویسنده ابتدا زمینه اجتماعی در حال تغییر ایران در سالهای قبل از انقلاب را تشریح می‌کند. این توصیفات ابعاد مختلفی را شامل می‌شود.

توصیف اوضاع جوانان ایرانی در آستانه انقلاب. فیشر ضمن توضیح دادن سابقه مشروطه‌خواهی در ایران، و همچنین اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران در سالهای حکومت پهلوی و عقب‌ماندگی صنعتی توأم با انفجار جمعیت و وضعیت جوانان ایرانی آن دوران را نوعی هواخواهی عمومی از باورهای دینی و در عین حال گرایش به هواخواهی از تکنولوژی مدرن توصیف می‌کند. همچنین وی باور دارد که جوانان ایرانی ضمن احترام نهادن به اخلاقیات و سنت، الزاما به دنبال مدرسی‌گری رهبران مذهبی خود نبودند. به‌طور خلاصه، فیشر جوانان ایرانی در آستانه انقلاب ایران را افرادی دارای ریشه‌های عمیق مذهبی و با نگاه به آینده مدرن توصیف می‌کند. (P. viii)

توصیف تشیع. فیشر تشیع را متشکل از صورتهای فرهنگی‌ای می‌داند که حاوی ساختارهای نمادین اند. اسلام در درون این ساختارها زبانی است که به صورتهای مختلف برای متقاعد کردن پیروان و کنترل کردن موقعیتهای و زمینه‌ها و رسیدن به موقعیت سیاسی استفاده می‌شود (P. 4).

فیشر معتقد است انواع تشیع در ایران وجود دارد. چهار نوع تشیع مد نظر وی عبارتند از: ۱- دین عامه روستائیان و بازار؛ ۲- دین مدرسی مدرسه‌های دینی که توسط علما تعلیم داده می‌شود؛ ۳- دین خرده‌فرهنگ صوفیه؛ ۴- دین خصوصی

نویسنده با اتکا به چنین روش‌شناسی‌ای، ضمن باور داشتن به وجود ساختار منطقی برای باورها و ایدئولوژیها، در پی کشف زمینه تاریخی و تفسیر نمودن این باورهاست. (P. 3) وی دو چیز را اجزاء فرهنگ می‌داند: ۱- ساختارهای نمادین، و ۲- شناخت متعارف. در ضمن، تجربه فرد را برساخته مشارکت اجتماعی، استفاده فرد از زبان و به‌کارگیری نمادهای فرهنگی می‌پندارد. (P. 4) وی معانی مختلفی برای نمادها قائل است و به این دلیل به سازه‌گرایی نزدیک می‌شود. رویکرد وی، درک ساختار اندیشه در ایران است و به همین منظور پا را از توصیف غنی فراتر نهاده و در پی بازسازی ساختار نمادین شیعه، مرزهای تاریخی و جامعه‌شناختی و تغییرات آن است. فیشر همچنین می‌کوشد تا نشانه‌شناسی فرهنگ ایرانی را نیز انجام دهد. تز اصلی کتاب مبنی بر نقش فعال واقعه کربلا در فرهنگ ایرانی، توجه به نمادهای فرهنگ شیعی، بررسی دو تن از امامان شیعه در فرهنگ ایرانی - شیعی، بررسی برخی نمادهای فرهنگ ایرانی که ارتباط وثیق با فرهنگ شیعی دارند (مثل زورخانه و اصطلاحات و معانی متناظر با آن) (P. 139-142)، یادآور شدن نقش مراسم مذهبی ایرانی در طول سال برای زنده نگهداشتن واقعه کربلا (P. 172)، و تحلیل مراسم محرم و محتوای آن و حتی نشانه‌های



شده و اخلاقی طبقات بالا (P. 4).

مهم‌تر، عدم پرداختن به گفتمان‌های الهیات از منظر پدیدارهای اجتماعی و زبان شناختی و تکیه بر روش خطابی (Rhetoric) و هرمنوتیک درونی باورهای اسلامی. (PP. 61-76)

توصیف وضعیت مراجع تقلید. وی به برخی از ابعاد وضعیت مراجع تقلید و آوردن مثال‌های تاریخی و واقعی از زندگی و شیوه عمل ایشان توجه خاص نشان داده است. وی نقشی دوگانه برای مرجعیت قائل است: ۱- نقش فکری؛ و نقش رهبری اجرایی. (P. 95) فیشر به تجاوزات دولت پهلوی به عرصه اقتدار مرجعیت نیز پرداخته و محدود شدن نقش‌های اجرایی آنان را به تفصیل بررسی می‌کند. (P. 97, P. 1081)

توصیف محتوای درسی مدارس دینی. فیشر ضمن مشارکت کردن در کلاس درس خارج حوزه علمیه قم، و توصیف محورهای مباحثه و تشریح گفت‌وگوهای خود با طلاب، نظرش درباره محتوای دروس حوزه را چنین می‌نویسد: "از یک سو ایمان به اسلام به عنوان راهی برای رسیدن به جامعه عادلانه وجود دارد... از دیگر سو، همان‌گونه که مباحثه درباره بهره بانکی نشان می‌دهد، طلاب فکر می‌کنند که آنها چنان تعلیم و تربیت فنی‌ای پیدا نمی‌کنند که بتوانند از ایمان خود در قالبی عملگراییانه (Pragmatic) استفاده کنند. (P. 75) فیشر چالش اصلی محتوای درسی حوزه را پارادوکس ایمان و گرایش عملگراییانه طلاب در مواجهه با الزامات دنیای رو به سوی مدرنیسم می‌داند. (P. 127)

تشریح مرکز نقل گفتمان روحانیت. نویسنده با تکیه بر تحلیل نشانه‌شناختی گفتار حوزویان و علما، اصطلاح "جامعه عادلانه (Just Society)" را مرکز نقل گفتمان روحانیت می‌داند. روحانیت شیعه برای تشریح گفتمان خود متکی بر ارائه داستان‌هایی از تاریخ شیعه و رخداد‌های آن و سپس استخراج پندهای اخلاقی از آن است. به عقیده فیشر، روحانیت همواره به دنبال جامعه عادلانه با تکیه بر سه محور سیاست، اقتصاد و اخلاق فردی بوده است (P. 147).

نشانه‌شناسی نظریه سیاسی شیعه. نویسنده ضمن توصیف کردن عناصر گفتمان سیاسی شیعه، نظریه سیاسی شیعه را دو قطبی یا به عبارت بهتر دو الگوی می‌داند. الگوی اول زمانی کارآمد است که مؤمن بر سرپر قدرت است. این الگو همانا حکومت امام علی (ع) است. اما آن هنگام که مؤمنان در قدرت نباشند، امام حسین (ع) مدل مقاومت در برابر بی‌عدالتی است (P. 147).

توصیف اوضاع فکری جوانان ایرانی در سال‌های قبل از انقلاب. فیشر برای تشریح سامان فکری جوانان ایرانی در سال‌های قبل از انقلاب بیشترین توجه را به تأثیرات اندیشه علی شریعتی معطوف ساخته است. وی ضمن تشریح تیز شریعتی در کتاب امت و امامت (165-166 PP)، جوانان ایرانی را به شدت متأثر از وی دانسته و وظیفه او را "بازسازی یوتوپیا" (P. 170) برای جوانان می‌داند. به عقیده وی، دعوت شریعتی به بازبینی، خوداتکایی، و تناسب تفسیرهای دینی با زمان، نقش مهمی در انقلاب ایران ایفا کرد.

توصیف چگونگی همه‌گیر شدن گفتمان علما. مؤلف کتاب ضمن توصیف اوضاع اجتماعی - سیاسی ایران در دوران پهلوی و سرکوب شدن عمده گفتمان‌های سیاسی و فکری در این دوران و برشمردن نقش علی شریعتی در همه‌گیر کردن گفتمان دینی در بین طبقات متوسط و بالای مدرن، نشان می‌دهد که تعامل این دو عامل گفتمان روحانیت را همه‌گیر کرد.

توصیفات بسیار غنی فیشر در ابعاد نه‌گانه‌ای که بدانها پرداختیم، جزئی از راهبرد روش شناختی وی با اتکا به مردم‌نگاری و توصیف غنی است. این توصیفات همراه با نشانه‌شناسی فرهنگ ایرانی و بیان ارتباط نشانه‌هاست. ظاهراً فیشر به دنبال آن است که نشان دهد چگونه اندیشه‌ای که در بستری تاریخی شکل گرفته است، در تعامل با ساختار اجتماعی - فرهنگی رو به ظهور (مدرنیسم) تغییر می‌کند، و این اندیشه چگونه اشاعه می‌یابد، چگونه مرکز ثقل گفتمانی خود را سامان می‌دهد و چگونه از انبان معانی نمادین و همچنین نمادهای خود، راهی برای مقاومت و شکل‌دهی به هویت پیدا می‌کند.

۴- نگاه نظری کتاب

شاید بهترین راه برای درک دیدگاه نظری کتاب، ردیف کردن گزاره‌های نظری

به اعتقاد وی برای شناخت تشیع باید سه گونه اطلاعات داشت: ۱- اطلاعات تاریخی که خود وی آنها را در قالب مفهوم "پارادایم کربلا" خلاصه می‌کند؛ ۲- اطلاعاتی درباره استقرار دولت شیعی در زمان صفویه؛ ۳- اطلاعاتی درباره چگونگی شکل‌گیری و دفاع از هسته فقهی، الهیاتی و اسطوره‌شناختی شیعه. توصیف کردن تاریخ تشیع - عطف به واقعه کربلا - و توضیح دادن جلوه‌های کربلا در تاریخ ایران؛ بررسی تاریخ استقرار دولت صفوی؛ و سپس بحث بسیار مبسوط فیشر درباره مدارس دینی خصوصاً بررسی مردم‌نگارانه وی درباره حوزه علمیه قم؛ هر سه گونه اطلاعات لازم را در اختیار وی می‌گذارند. (PP. 29-31)

نویسنده همچنین بستر اجتماعی تشیع را در قالب تحلیل طبقاتی خود ملاحظه کرده و میان انواع دینداری و طبقات اجتماعی همبستگی‌هایی می‌بیند. انواع طبقات اجتماعی‌ای که وی تحلیل می‌کند عبارتند از: ۱- روستائیان و اجتماعات کارگری؛ ۲- تحصیل‌کردگان سنتی، تجار شهری متوسط، زمین‌داران و علمای دینی؛ ۳- طبقات متوسط و بالای جدید با گرایش و تعلیم و تربیت سکولار. وی به عوض مقابل قرار دادن دینداری سنتی و دینداری مدرن، به وجود داشتن انواع دینداری و مناسبات طبقاتی انواع دینداری اعتقاد دارد (P. 136).

توصیف وضعیت مدارس دینی. نظام معرفت‌شناختی مدارس دینی در کانون توجه فیشر است. منظور وی از نظام معرفت‌شناختی "... درجه تساهل یا سخت‌گیری اندیشه مدارس است. (P. 32) " وی در پی آن است تا با نوعی مشاهده مشارکتی و توصیف کردن محتوای درسی و مباحث شاگردان حوزه علمیه قم، سبک اندیشه حوزه و طلاب دینی را ترسیم کند. به اعتقاد وی جوهر اصلی مدارس دینی در سه محور خلاصه می‌شود: ۱- شیوه تعلیم و تربیت مبتنی بر مباحثه؛ ۲- به‌کارگیری ابزارهای منطقی، هرمنوتیکی و توسل‌جستن به اقتدار حجیت؛ ۳- استدلال کلامی - فقهی. (PP. 33-34) البته وی در فصل سوم کتاب خصایص دیگری نیز برای مدارس دینی برمی‌شمرد که عبارتند از آزادی طلاب، احترام نهادن به اساتید، نظام سلسله مراتبی اساتید و طلاب و از همه

ایران: از مباحثه مذهبی تا انقلاب اسلامی

اثری درباره تغییر فرهنگ،

و خصوصاً نقشی است که دین در این زمینه ایفا می‌کند.

محوری ترین موضوع کتاب را

می توان بررسی نظام آموزش دینی دانست.

این نظام هم در مدارس دینی و در بین طلاب علوم دینی،

و هم در بین عامه مردم بررسی

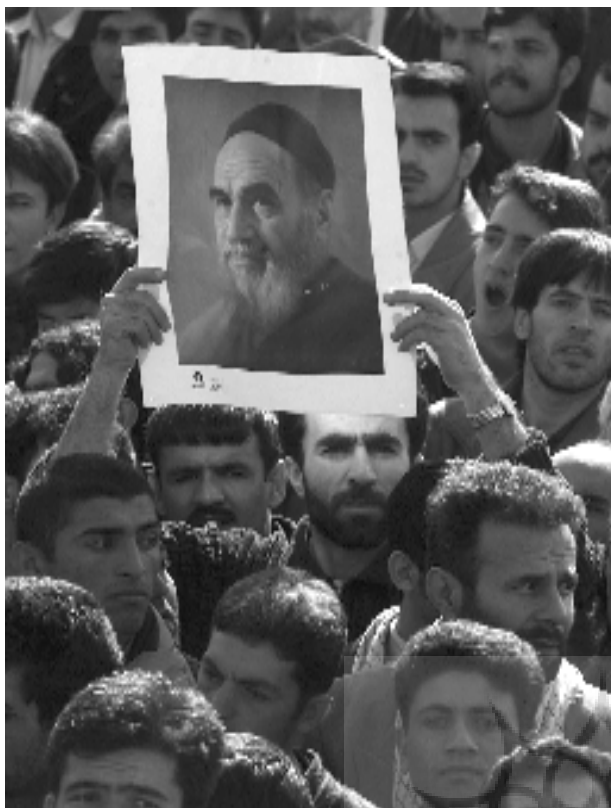
و بدین وسیله تغییرات شخصیتی ناشی از تعلیم و تربیت

دینی در جامعه ایرانی مطالعه می‌شود.

فیشر جوانان ایرانی در آستانه انقلاب ایران را

افرادی دارای ریشه‌های عمیق مذهبی

و با نگاه به آینده مدرن توصیف می‌کند.



آن باشد. این راهبرد از آن رو مفید است که با توجه به رویکرد مردم نگارانه کتاب، دیدگاه نظری مؤلف در لابه لای توصیفات وی توزیع شده و هیچ بخش خاصی به مباحث نظری اختصاص نیافته است. از همین رو باید دیدگاه نظری آن را از لابه لای توصیفات استخراج کرد و کنار هم قرار داد.

۱- پارادایم عاطفی تشیع - علیرغم وجود مثالهای متعددی از شهادت در تاریخ این مذهب - حول شهادت امام حسین (ع) شکل گرفته است. داستان کربلا مثالی از قربانی شدن خانواده؛ فساد دولت و همچنین کلید تخیل عاطفی تشیع است (P.19).

۲- کربلا به این معنا پارادایم است که مدلی برای زندگی و تفسیر وقایع آن است. کربلا متمایز کننده فهم شیعی و فهم سنی از اسلام است. کربلا غلیان مواجهه عاطفی با زندگی اجتماعی - سیاسی است (P. 21).

۳- راز قدرت مدارس دینی و علماء، علیرغم از دست دادن برخی از اصلی ترین وظائفشان در عصر پهلوی، ناشی از قرار داشتن ایده های این مدارس در مرکز عرصه شناخت متعارف زندگی ایرانیان، و مرکزیت نمادین (Symbolic centrality) این ایده ها برای جامعه ایرانی و ذهنیت طبقات مختلف است (P. 38, 60).

۴- ساختار مناسک تشیع و تقویم زمانی آنها به علاوه محتوای گفتارهای مذهبی تشیع (نوحه و روضه)، منبع جاری شدن انرژی حیاتی - عاطفی در سطح جامعه است. در همه این مناسک، کربلا مدلی برای شبیه سازی جهان است. بسیاری از شورش های اجتماعی در ایران که زمینه های اقتصادی - سیاسی متفاوت داشته اند، در ایام همین مناسک و خصوصا در محرم و رمضان رخ داده اند. (P. 177)

۵- فرد و اخلاق فردی، محور گفتمان سیاسی و اقتصادی تشیع برای حصول جامعه عادلانه است. ایمان اصلی ترین سازوکار برای رسیدن به اخلاق فردی و همچنین تجلی آن است (P. 159, 164).

۶- بسته شدن فضای سیاسی و سرکوب گفتمانهای مختلف در زمان حکومت پهلوی، گفتمان دینی را به صورت تنها نیروی مقاومت و اندیشه صورت بندی کننده تغییر اجتماعی در آورد (P. 191).

۷- در فرایند فرهنگی منتهی شده به انقلاب اسلامی، قرائت عاشورا به مثابه یوتوپای مقاومت سیاسی، جایگزین قرائتی از عاشورا و کربلا شد که فقط آن را محملی برای گریه و عزاداری می دانست (P. 213).

۸- رهبری امام خمینی (ره) کاملا متمایز از رهبری کاریزمایی مد نظر ماکس وبر است. رهبری امام خمینی را باید در چارچوبی که ملاصدرا برای مراحل روحی رهبر تعریف می کند، شناسایی کرد. بنا به تفسیر فیشر از آراء ملاصدرا، رابطه رهبر با مردم بر اساس فلسفه فیض تعریف می شود؛ نوری که حقایق جهان را آشکار می کند نه مجموعه ای از احساسات که عاطفه خاصی در مردم نسبت به رهبر بر می انگیزد (P. 242).

۹- برای رهبر انقلاب ایران، انقلاب فقط امری سیاسی و اقتصادی نبود، بلکه تغییری اخلاقی بود که گرایش رفتاری دولت و اجتماع را تغییر می داد. (P. 216)

۱۰- اقتصاد ایران در آستانه انقلاب از پنج مسأله در رنج بود: ۱- فشار بر درآمدها به واسطه تورم؛ ۲- وارد کردن نیروی کار به عوض آموزش دادن نیروی کار ماهر محلی؛ ۳- افزایش رشوه خواری در سطوح بالای حکومتی برای صدور مجوز طرحهای اقتصادی؛ ۴- سیاست کشاورزی نادرست (اتکا بر واردات)؛ ۵- سیاست مالی ناصحیح (شوک ناشی از قیمت نفت و تورم).

۱۱- اصلی ترین گزاره فیشر که سبب شده است وی را در بین قائلین به تبیین چندعلتی انقلاب ایران قرار دهند، این گزاره است که علتها و زمان بندی وقوع آن اقتصادی و سیاسی بود؛ شکل بیان و فرایند پیشرفت آن به شدت بر سنت

اعتراض دینی تکیه داشت. (P. 190) "البته این گزاره در پرتو تاسی وی به نظریه کرین برینتون قابل درک است. وی می نویسد "انقلاب، در مراحل اولیه اش از مدل کلاسیک تشریح شده توسط کرین برینتون در خصوص انقلابات انگلیس، فرانسه، آمریکا و روسیه پیروی کرد: جامعه ای در حال رفاه به رکود دچار شد، و دولت پرمسأله کوشید تا نه تنها به طبقات پایین بلکه به طبقات پیشرو جامعه فشار بیاورد. لذا آنها که باید از دولت حمایت می کردند از آن رو برگرداندند و همین امر به مشروعیت زدایی از دولت و غیراخلاقی جلوه دادن آن نیروی بیشتری بخشید." (P. 189)

مدل نظری فیشر را می توان در سه مرحله خلاصه کرد: ۱- مراحل اولیه انقلاب مانند مدل کرین برینتون پیش رفت؛ ۲- بخشهای مختلف جامعه احساس کردند که منافع آنها در مقابل منافع جهان صنعتی و فشارهای خارجی در درجه دوم قرار گرفته است؛ ۳- صدای مقاومت و اعتراض در قالبی اسلامی - دینی بروز کرد. ظاهرا فیشر جوهره انقلاب ایران را هم تلاشی اخلاقی - معنوی برای بیان ایده های برآمده از تفکر شیعی می داند و هم دلایل بیان شده برای وقوع انقلابات در مدل برینتون را می پذیرد. اما از توصیفات ابتدایی وی درباره فرهنگ شیعی و الزامات مدل کربلا برای تفکر سیاسی شیعه بر نمی آید که وی در نهایت فقط شیوه بیان اعتراض را دینی بداند. از همین رو مدل نظری وی با نوعی ابهام در مشخص کردن نظر نویسنده درباره نقش علی ساختار فرهنگی ایرانی - شیعی برای ایجاد انقلاب یا فقط بیان شدن اعتراض در قالبهای دینی مواجه است.

۵- پیامدهای انقلاب ایران

نویسنده کتاب با اتکا به مطالعات خود درباره شناخت متعارف و سازمان ذهنی روحانیت، جوانان ایرانی و گفتمانهای حاکم بر مدارس دینی، در پی آن است تا چالشهای پیش روی انقلابی را که اصلی ترین نیروهای آن تربیت یافته مراکز دینی اند، توضیح دهد. باز هم وی فصولی منسجم به این امر اختصاص نمی دهد و باید دیدگاه وی را از لابه لای توصیفات و نتیجه گیریهایش استخراج کرد. عمده

ظاهرا فیشر به دنبال آن است که نشان دهد چگونه اندیشه‌ای که در بستری تاریخی شکل گرفته است،

در تعامل با ساختار اجتماعی - فرهنگی رو به ظهور (مدرنیزاسیون) تغییر می‌کند، و این اندیشه چگونه اشاعه می‌یابد، چگونه مرکز ثقل گفتمانی خود را سامان می‌دهد و چگونه از انبان معانی نمادین و همچنین نمادهای خود، راهی برای مقاومت و شکل‌دهی به هویت پیدا می‌کند

انقلاب هر آن خواهان تفسیر روشن‌تری از اسلام خواهد شد. (P. 240-41) **آینده زنان و اقلیتها.** به اعتقاد فیشر، آینده انقلاب ایران در چارچوب پاسخهایش به سوالاتی درباره سیاست و اقتصاد اسلامی، جایگاه زنان و موقعیت اقلیتها بسط خواهد یافت (P. 217).

۶- بررسی انتقادی

نویسنده کتاب در نشان دادن چگونگی تغییر شناخت متعارف در جامعه ایران، و توصیف ابعاد مختلف آن موفق است و نشان می‌دهد که چگونه جامعه ایرانی در طول چند دهه آماده انقلابی بزرگ شد؛ اما سوالاتی دیگر را بی‌پاسخ می‌گذارد. می‌توان از فیشر پرسید:

۱- اگرچه به جوانی از اندیشه شیعی در کتاب اشاراتی شده است، اما آیا خلاصه کردن تاریخ سیاسی تشیع در پارادایم کربلا، نوعی تقلیل واقعیت تاریخ سیاسی و تاریخ اندیشه نیست؟

۲- فیشر به هیچ‌کدام از پتانسیلهای موجود در اندیشه سیاسی و اقتصادی اسلام برای آشتی دادن ایمان دینی و پراگماتیسم اشاره‌ای نمی‌کند. خواننده مجبور است با این دیدگاه نویسنده که تلویحا القا می‌کند راه میانه‌ای برای این دو وجود ندارد کنار بیاید.

۳- توضیحات فیشر درباره مرکزیت مفهوم جامعه عادلانه (Just Society) در گفتمان روحانیت قانع‌کننده است. اما گزاره مهم‌تر این است که گفتمان روحانیت با تکیه بر اخلاق فردی در پی جامعه عادلانه است. اما چنین تحلیلی قادر نیست توضیح دهد چرا در طول تاریخ جنبشهای ایرانی در قرن حاضر، بیشتر اندیشه‌هایی که از سوی متفکران اسلامی ارائه شده است به عوض تکیه بر اخلاق فردی و تأمین آزادی برای تضمین پذیرش مسئولیت اخلاقی از سوی فرد، به حاکمیت دین‌سالاران برای تضمین اجرای احکام فقهی - حقوقی‌ترین شاخه اندیشه اسلامی - مشروعیت بخشیده‌اند. اسلام‌گرایان عصر مشروطه و اندیشه‌ای که در فرای انقلاب ایران حاکم شده، بیش از تکیه بر مسئولیت اخلاقی فرد، بر اجبار حکومت به اجرای احکام فقهی تأکید داشتند.

۴- فیشر در بسیاری موارد به پیامدهای انقلاب ایران پرداخته است. اما کماکان این سؤال که آیا پیامد انقلاب ایران می‌تواند تغییر در بنیادهای شناخت متعارف در ایران باشد، بی‌پاسخ می‌ماند. روحانیت، تشیع و مدارس دینی در موضع اپوزیسیون قبل از انقلاب قادر بودند گفتمان‌سازی کرده و به شناخت متعارف جامعه ایرانی شکل دهند. اما همه اینها وقتی خود صاحب قدرت شوند، آیا قادرند از گزند آنچه که پیش‌تر به آن حمله می‌کردند (مدرنیته و مدرنیزاسیون) بگریزند و گفتمان‌ساز باشند؟ نقطه ابهام تحلیل فیشر، پویایی‌شناسی تغییرات بنیادهای شناخت متعارف در ایران پس از انقلاب است.

۵- چنان‌که پیش‌تر نیز گفته شد، تحلیل و تبیین فیشر در خصوص انقلاب ایران در مرز قائل شدن به علیت عوامل فرهنگی و بیان دینی اعتراضات اجتماعی، مبهم است. آیا دین فقط زبان منازعه و بسیج است یا موجد اعتراض و انقلاب؟

با همه این احوال، باید کتاب ایران: از مباحثه مذهبی تا انقلاب اسلامی را کتابی جدی در زمینه تبیین فرهنگی انقلاب اسلامی ایران به حساب آورد. در ضمن کتاب به لحاظ توجه کردن به بنیادهای شناخت متعارف در جامعه ایرانی و ارائه تبیینی که بر ذهنیت خلاق استفاده‌کنندگان از ساختارهای نمادین برای بسیج توده‌ها تأکید می‌کند، در بین آثار مرتبط با انقلاب اسلامی ایران، قابل توجه است. این کتاب نه فقط برای محققان انقلاب ایران، بلکه برای همه محققانی که می‌خواهند شناختی از زوایای فرهنگی جامعه ایرانی داشته باشند، کارآمد است.

نظرات وی درباره پیامدهای انقلاب ایران در موارد زیر خلاصه می‌شود. **مواجهه حکومت جمهوری اسلامی و مقوله اقتصاد.** فیشر در موارد متعدد به نظریه اقتصادی اسلام پرداخته و چالشهای آن با الزامات دنیای مدرن را برشمرده است. به عقیده فیشر، مسأله مالکیت خصوصی و حدود آن در برابر مالکیت دولتی و اصل تعلق همه چیز به خداوند، اولین چالش نظریه اقتصادی اسلام است. همچنین وی به شیوه به‌کارگیری نظام مالیاتهای دینی (خمس و زکات) و حدود به‌کارگیری آن در اقتصاد مدرن اشاره می‌کند. علاوه بر اینها، وی دولت بعد از انقلاب را در چالش بزرگ با مسأله بهره‌بانکی و تفاسیر دینی از مقوله "ربا" در اسلام می‌بیند.

چالشهای نظریه سیاسی شیعه. فیشر بر اساس شناختش از نظریه سیاسی شیعه و قرائتهای متفاوتی که از آن در مدارس دینی وجود داشته است، به مباحث ولایت فقیه در تز امام خمینی (ره) یا اولی‌الامر در نزد شریعتی اشاره کرده و چالشهای آن با دموکراسی را از پیامدهای انقلاب ایران دانسته است (P.147-165).

تحقق یافتن جامعه‌ای در میانه راه شرق و غرب. نویسنده که در ابتدای دهه ۱۹۸۰ و پیش از فروپاشی نظام شوروی می‌نویسد، معتقد است که غرب آزادی فردی را به بهای قربانی شدن عدالت اجتماعی مد نظر قرار داده است. شرق نیز آرزوی تحقق عدالت را به بهای زیر پا نهادن آزادی فردی هدف قرار داده است. وی چالش انقلاب ایران را چگونگی در پیش گرفتن راهی عملی برای حفظ عدالت و آزادی فردی همراه با یکدیگر می‌داند. (P. 231)

ابهام در برنامه اقتصادی. نویسنده بر این باور است که ابهام در برنامه اقتصادی از زمان مشروطه در اقتصاد ایران وجود داشته است و بعد از انقلاب نیز به دلیل چالش‌های خاص اقتصاد اسلامی ادامه خواهد یافت.

تعارض اسلام‌گرایی جوانان و اقتدار روحانیت. نویسنده معتقد است جوانان انقلابی کماکان اسلام‌گرا باقی می‌مانند، اما این اسلام‌گرایی الزاما به معنای گردن نهادن به و برابر شدن با گفتمان روحانیت نیست. به علاوه، نسل جوان